



تأثیر جامعه بر ادبیات دفاع مقدس

زیبا اسماعیلی

(دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران)

Esmaeili_ziba@yahoo.com

دکتر ناصر کاظم خانلو

(استادیار دانشگاه پیام نور همدان)

Pnu.khanloo@gmail.com

سارا الفتی

(دانش آموخته ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی)

olfatisara@yahoo.com

سیمین عزتی فر

(دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور کرج)

simin.ezatifar@yahoo.com

چکیده:

ادبیات دارای ماهیتی اجتماعی است؛ از سویی ادبیات با زبان که ماهیتی اجتماعی دارد مرتبط است و از سوی دیگر با شاعر و نویسنده که موجودی اجتماعی هستند و باورها و اعتقاداتشان در زمینه های اجتماعی شکل می گیرند ؛ ارتباط دارد. بنابراین ادبیات می تواند نمایشگر دقیق رخداد های اجتماعی باشد که در برهه ای از زمان در زندگی، اندیشه و باور مردم ریشه دوانده است. ادبیات پایداری بخشی از ادبیات است که هنگام پایداری ملتی در برابر ملت های مهاجم پدید آمده و بیانگر وقایع و اتفاقات جنگ به زبان ادبی است. در این مقاله تلاش شده است تا ارتباط جامعه با ادبیات منثور دفاع مقدس مورد بررسی واقع شود.

کلمات کلیدی: جنگ ، ادبیات پایداری، ادبیات منثور، داستان

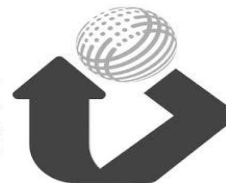


مقدمه:

جنگ و ادبیات پایداری

جنگ چیست؟ آیا می توان تعریف جنگ را در تهاجم از جانب گروهی و دفاع از جانب گروهی دیگر خلاصه کرد. آیا جنگ پدیده ای اجتماعی است که در زمانها و مکانهای متفاوت اشکال مختلفی به خود گرفته است؟ این پدیده ی اجتماعی بر سایر نهادهای اجتماعی چه اثراتی گذاشته است؟ اما سؤال مهمتر این است که زبان به عنوان پدیده ای اجتماعی در رسانیدن اخبار جنگ به سایر انسانها چگونه نقش ایفا می کند؟ مسئولیت ادبیات در این زمینه چیست؟

تعریف جنگ از دیدگاه متخصصان بسیار دشوار است. تاریخ نگاران، دانشمندان علوم سیاسی و جامعه شناسان تعریف های محدودی برای جنگ ارائه کرده اند و آن را از شورش ها، قیام ها و کشتارها متمایز ساخته اند. جنگ کاربرد منضبطانه و مجاز نیرویی مرگ آفرین توسط گروهی از مردم علیه گروهی دیگر تعریف می شود که در دوره ها و جاهای مختلف، اشکال مختلفی به خود گرفته است. (ساسانی، 1384: 27-28) در این میان جامعه ای که مورد تهاجم واقع شده است مفهوم پایداری فردی و اجتماعی را درک می کند. شکل گیری این مفهوم به شکلی گسترده تبدیل به فرهنگ پایداری و مقاومت در میان مردم می شود. مسئله ای که ماندگاری فرهنگ مقاومت را در تاریخ یک ملت و در اذهان عمومی سبب ساز می شود، استفاده از زبان ادبی است. در حقیقت ادبیات به دو دلیل دارای ماهیتی اجتماعی است. از سویی به دلیل ارتباطش با نویسندگان و شاعر که موجودی اجتماعی است و در بطن اجتماع و ارزشهای حاکم بر آن زندگی می کند بنابراین باورها و اعتقادات او در زمینه های اجتماعی شکل می گیرد. از سوی دیگر به دلیل ارتباط ادبیات با زبان که آن نیز پدیده ای اجتماعی است. پس ادبیات می تواند نمایشگر دقیق رخداد های اجتماعی باشد که در برهه ای از زمان در زندگی، اندیشه و باور مردم ریشه دوانده است. ادبیات پایداری بخشی از ادبیات است که هنگام پایداری ملتی در برابر ملت های مهاجم پدید آمده و بیانگر وقایع و اتفاقات جنگ به زبان ادبی است. محمدرضا سنگری دامنه ی ادبیات پایداری را به هر نوع ایستادگی و رویارویی انسان که در قالب شعر و نثر ظهور و بروز می یابد گسترش می دهد و همه آثاری که به جنگهای تاریخ ملت ها برمی گردند در قلمرو ادبیات پایداری قرار می دهد. او ادبیات پایداری را چنین تعریف می کند: «از نظرگاه علمی، ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می شود که از زشتی ها و پلشتی های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی، در همه ی حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی با زبانی هنری (ادبیانه) سخن می گوید. برخی از این آثار پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان، به نگارش "تاریخ" آن می پردازند. (سنگری، ادبیات پایداری) پس ادبیات



پایداری دامنه ی وسیع و گسترده ای را در بر می گیرد که با توجه به تاریخ ملت ها پدید آمده است. در نگاهی کلی به پیشینه ی ادبیات پایداری در ایران، می توانیم به منظومه ی « شاهنامه » اثر گرانقدر فردوسی اشاره کنیم که به راستی، به بهترین وجه به موضوع پایداری در برابر تهاجمات خارجی و حفظ مرزها و ارزشهای ملی می پردازد. اثری که در آن راه و رسم دفاع از مرزهای ایران در برابر مهاجمان و جانفشانی پهلوانان و جنگجویان ایرانی به بهترین شکل توصیف شده است. این منظومه در واقع حماسه ای برای حفظ و بزرگداشت هویت ملی ایرانیان در برابر فرهنگ غالب عرب و ترک در زمان فردوسی و هر فرهنگ غالب دیگر در سایر زمانهاست. حماسه ای که هرمان اته آن را خاتمه ی حماسه های قدیم و نتیجه ی داستان های متعدد ملی ایران می داند. (اته، 1356: 55) این منظومه که محققان جهان آن را در ردیف بزرگترین حماسه های ملی جهان در آورده اند از حیث حفظ روایات کهن ملی و از لحاظ تأثیر شدید آن در نگاهیانی زبان پارسی دری، بزرگترین سرمایه ی فرهنگ ملی ایرانیان است. (صفا، 1384: 122)

به طور کلی پیشینه ی ادبیات پایداری در ایران را می توان در دوره های تاریخی ذیل مورد بررسی قرار داد:

- « 1- دوره ی نهضت های داخلی و اولیه ی پس از ورود اسلام به ایران مثل نهضت شعوبیه و... »
- 2- دوره ی قیام ها و اعتراضات و جنگهای داخلی و هجوم خارجی مانند حمله ی مغول و تیمور به ایران و پیدایش نهضت سربداران و ...
- 3- عصر صفوی، حمله ی پرتغالیان به جزایر جنوبی و پدید آمدن جنگ نامه های منظوم که این دوره آغاز ورود عامه به ادبیات کلاسیک است تا بروز جنگ های ایران و روس در زمان فتحعلی شاه
- 4- جنگ های ایران و روس در عصر فتحعلی شاه تا دوره ی مشروطه
- 5- از دوره ی مشروطه تا دوره ی انقلاب اسلامی
- 6- دوره ی انقلاب اسلامی
- 7- دوره ی هشت ساله ی دفاع مقدس « (خراسانی، 1387: 96)



ادبیات منثور دفاع مقدس

ادبیات پایداری دفاع مقدس متأخرترین این نوع ادبی است. ادبیاتی که شاعران و نویسندگان نه با هدف آفرینشی ادبی، که با هدف ماندگار کردن یاد و خاطره ی دلاوران و ایثارگران صحنه های جنگ و نیز حفظ ارزشهای ایجاد شده در جامعه ی آن روزگار، دست به قلم برده، به نوشتن پرداختند. حال سوالی که مطرح می شود این است که ادبیات دفاع مقدس تا چه حد توانسته است جایگاه خود را در میان نویسندگان سایر حوزه ها بیابد؟ آیا این نوع ادبی توانسته است آثاری به جامعه ی ادبیات ارائه کند که بتواند جایگاهی قابل توجه در میان نویسندگان، دانشگاهیان و در نهایت مردم بیابد؟ اگر هدف از نگارش این نوع ادبی پاسداشت یاد شهدا و ایثارگران و زنده نگهداشتن ارزشهای موجود جامعه ی آن روزگار است آیا سزاوار است « شاهد خیل آثاری باشیم که اغلب برای آرشیو و بایگانی مناسبند و برای تغذیه ی روحی و فکری جامعه ی امروز و استمرار پیام تا فرادهای دوردست فاقد جذابیت و غنای لازم می باشند.» (میر کاظمی، 1387: 135) علت اصلی این مسئله را در کدام بخش باید جستجو کرد؟ پاسخ این سوال را در عناصر ظاهری آثار دفاع مقدس یا در عناصر محتوایی آن باید جستجو کرد؟ یا در هر دوی این موارد؟ آیا نیازمند ایجاد سبکی جدید و زاویه ی دیدی جدید در این آثار (به خصوص آثار منثور) نیستیم؟ در آثار منثور دفاع مقدس، عمده ترین ضعف مشهود، ضعف نگارش است. به گونه ای که در بخشی از این آثار نه تنها با نثری فاخر و پرتنین مواجه نیستیم بلکه نثر این نوشته ها اغلب دارای ایرادهایی است از جمله: « ایرادهای ویرایش، شعارزدگی و ستایش مستقیم و افراط گونه در معرفی شخصیت ها به طرز کلیشه ای و یکنواخت، عدم بهره گیری از آرایه های تأثیر گذار ادبی مثل توصیف و تمثیل و بیان تصویری رویدادها، رعایت نکردن حجم و محتوا ... آثاری بدون عمق ... ضعف تحقیق و شتابزدگی و ...» (همان، 139-140) شاید یکی از دلایل وجود این ضعف ها در آثار منثور دفاع مقدس، این است که بیشتر کسانی که در هنگام جنگ یا پس از آن اقدام به نوشتن کردند اغلب برای اولین بار، برای ادای دین و زنده نگه داشتن خاطرات جنگ دست به قلم می بردند. این مسأله به خصوص در خاطره نویسی بیشتر به چشم می خورد. بیشتر خاطره نویسان این دوره، بدون آشنایی با تئوری خاطره نویسی وارد این عرصه شده، بعدها به داستان نویسی و زندگی نامه نویسی نیز روی آورده اند. سعید تاجیک، نصرت الله محمود زاده، مهدی جعفری نسب از جمله کسانی هستند که بدون آشنایی قبلی و بون مطالعه جدی در این زمینه وارد این عرصه شده اند. (دهقان، 1386: 114-117) اگرچه در میان نویسندگان این حوزه، نویسندگانی با تجربه و با مطالعه نیز حضور داشته اند که آثار قابل توجهی به وجود آورده اند که هوشنگ مرادی کرمانی، احمد محمود، اسماعیل فصیح، سیمین دانشور و ... از این دسته اند. اما در این نوشتار قصد ما بیان کاستی هاست تا با جبران این کاستی ها به افق های روشن تری دست بیابیم.



دومین مسأله ای که در مورد ادبیات داستانی با محوریت موضوع دفاع مقدس باید مورد تأمل واقع شود این است که بهترین آثار در این زمینه به مرور زمان از مفهوم جنگ فاصله می گیرند. ابراهیم حسن بیگی در این خصوص می نویسد: « در همین جشنواره ربع قرن ادبیات دفاع مقدس که داور بودم و کتاب ها را خواندم، بهترین آثار را اغلب آثاری دیدم که در دهه ی 60 و 70 نوشته شده اند و هرچه از زمان جنگ دور می شویم نسبت بین ادبیات و جنگ دور و دورتر می شود.» (حسن بیگی، 1388: 58)

برای بررسی این موضوع ابتدا باید به این سوال پاسخ دهیم که چرا چنین شده است؟

به نظر نگارنده پاسخ این سوال را باید در چند محور بررسی کنیم:

1. روی کار آمدن نویسندگانی که فاصله ی زمانی با جنگ دارند
2. ارتباط جامعه و ارزشهای موجود در آن با ادبیات
3. تأکید مراکز حمایت کننده آثار ادبی دفاع مقدس بر بعضی محورهای ویژه

این موارد به این ترتیب قابل بررسی است که در ادبیات داستانی با موضوع جنگ و دفاع مقدس در ابتدا نویسندگانی اقدام به نوشتن کردند که یا پیش از جنگ تجربه ی نویسندگی داشتند و یا تجربه ی نویسندگی نداشتند اما هر دو دسته با مشاهده ی شرایط و مقتضیات جنگ اقدام به نوشتن در این موضوع کردند در واقع هر دو گروه مشاهدات و تجربیات عینی خود را به نگارش درآورده اند. کسانی چون هوشنگ مرادی کرمانی و رضا رهگذر (محمد رضا سرشار)، احمد دهقان، ابراهیم حسن بیگی و... از این دسته اند. اما در دوره های بعد نویسندگانی روی کار آمدند که به دلیل وجود فاصله ی زمانی تولد ایشان با دوران جنگ، شرایط حاکم بر جامعه در هنگام جنگ را درک نکرده اند و دریافت ایشان از جنگ و شرایط آن منحصر به خواننده ها و شنیده هایشان است. رضا امیرخانی، ساسان ناطق، مجید پورولی و... در این دسته اند. بیشتر این نویسندگان با مطالعه ی خاطرات و دستنوشته های رزمندگان و انجام مصاحبه با ایشان، اقدام به نوشتن کرده اند و اغلب به بیان مشکلات پس از جنگ پرداخته اند بنابراین این نویسندگان تجربه ی عینی از جنگ و شرایط آن نداشته اند و آنچه نوشته اند نوعی بازنویسی دریافتیهای دیگران است. به این ترتیب این مسأله را می توان یکی از عوامل آسیب دانست چراکه کسی که شرایط جنگ را درک نکرده نمی تواند آن شرایط و مقتضیاتش را به تمامی توصیف کند. از طرف دیگر با گذشت زمان و فاصله گرفتن از دوران جنگ بسیاری از همین رزمندگان مطلق اندیشی و مطلق نگری خود را از دست داده، با نگاهی واقع بینانه به حوادث جنگ می نگرند. بنابراین شاید دیگر آن رویکرد سابق را نسبت به ارزشها و اعتقادات سابق نداشته باشند. به این ترتیب کار برای نویسندگی این دوره دشوار می شود؛ از یک طرف باید ارزشها و



اعتقادات زمان جنگ را توصیف کند و از طرف دیگر ممکن است با راوی ای مواجه باشد که دچار نوعی تزلزل یا تغییر نگرش شده است.

در این مورد باید ارتباط جامعه با ادبیات را مورد نظر قرار داد که ادبیات و تجربه ی اجتماعی از هم جدا نیستند. چراکه نویسنده و شاعر در اجتماع رشد می کند و اندیشه ی او با ارزشها و ضدارزشهای موجود در آن جامعه شکل می گیرد. بنابراین موجودیت اثر ادبی با ویژگی های یک دوره ی تاریخی گروهی، اجتماعی یا فردی رابطه دارد و از طرف دیگر اثر ادبی در جوامع با مناسبات انسانی و عواطف متفاوت یافت می شود. برای سنجش ریشه های ادبیات در جامعه لازم است که این دو عامل مورد بررسی قرار بگیرد. همین نقطه ی برخورد نگرش های خلاقانه و کارکردهای ادبیات در ساختار اجتماعی متفاوت، آغاز آفرینش جامع شناسی ادبیات است. (باستید، 1374: 98)

« اصولاً زمانی که جامعه، انقلاب و یا جنگی را می گذرانند به تدریج دچار دگرگونی می شود. جامعه ی شکل یافته ی جدید، نه با جامعه ی دوران انقلاب و یا جنگ مشابه است و نه با جامعه ی پیش از آن. پس طبیعی است که رمان و داستان کوتاه نیز همگام با چنین تحولاتی قدم بردارد. عینیت گرایی و توصیف حقایق و ارزشهای مردم هرچه باشد از جمله مواردی است که در داستان پس از جنگ مطرح می شود. در این گونه داستان ها الگوهای از پیش تعیین شده و مباحث آرمانی و عقیدتی حاکم بر جامعه ی دوره ی جنگ یا انقلاب به تدریج محو و سبک و سیاق کارها با آثار آن دوران متفاوت می شود. هر دوره ای خواننده ی خود را می طلبد. در حقیقت یکی از وظایف مهم نویسندگان اشراف و آگاهی از سیر تحول ذهنی انسانها در دوره های مختلف زمانی است.» (پارسی نژاد 1384: 294-295)

بنابراین در شرایط اجتماعی پس از جنگ که بسیاری از مردم تغییر رویکرد داشته اند نیازمند نوعی بازبینی در رویکردها و زاویه ی نگاهمان نسبت به این نوع ادبی هستیم. شاید این تغییر نگاه نسبت به ادبیات دفاع مقدس، همان تغییر رویکردی باشد که نویسندگان اروپایی پس از جنگ جهانی اول نسبت به ادبیات جنگ تجربه کردند و آن نفی دنیایی بود که ستون هایش بر پایه ی جنگ و آدم کشی و سقفش از پوشال عقل و خرد بافته شده بود. این اندیشه را بنیانگذاران مکتب دادائیسیم پی ریزی کردند. ایشان ادبیات را متهم به تصنع و اطاعت محض از حکام و فرمانروایان می کردند. (سید حسینی، 2537: 407-414) البته منظور از تغییر نگرش این نیست که ما نیز مکتبی چون مکتب دادائیسیم پایه گذاری کنیم اما می توانی با داشتن رویکرد جدید رنگی تازه به



این نوع ادبی بخشید. رویکردی که در آن تخریب و ساختن در کنار هم مشاهده شود. تخریب سخنان کلیشه ای و آفریدن شخصیت‌هایی نو با واقع نگری بیشتر.

البته باید توجه داشت که مراکز حمایت کننده آثار ادبی دفاع مقدس در نگارش داستان‌ها و زندگی نامه‌ها بر بعضی محورهای ویژه تأکید دارند. برخی از این مراکز که «عده دار سرپرستی آثار متعهد به انقلاب و دفاع مقدس هستند با دید همه جانبه نگر هنرمند، به تمامی سر سازگاری ندارند... رأی و نظر این مراکز در قبال ایفای نقش حمایتی شان در تولید و عرضه ی آثار هنری، متأسفانه باعث ایجاد روحیه ی خودسانسوری در بعضی از هنرمندان می شود و مهمتر از آن فرصت و جسارت نقد آثار منتشره را نیز زائل می نماید.

پس از جنگ... آثار مرتبط با دفاع مقدس وضوح معناگرا و آرمانگرایانه ی خود را وانهادند و نسبیتی واقعگرایانه را باز می تابانند که چندان باب طبع برخی کارگزاران فرهنگی نیست. طبعاً نقدی که در جهت رشد این نسبیت نگاشته می شود نمی تواند توسط ایشان توصیه گردد.» (میر کاظمی، 1387: 129)

این نوع نگاه، سبب شده است که نویسندگان هنگام پردازش شخصیت‌های داستانها یا نگارش زندگی نامه‌ها، حتی شیطنت‌ها و شوخی‌های رزمندگان را سانسور کنند و شخصیت‌های داستانها را قهرمانانی بی نهایت فرازمینی و دست نیافتنی قلمداد نمایند. در حالی که این قهرمانان، همگی انسانهایی عادی بودند که در شرایط ایجاد شده، در فرهنگ اسلامی-ایمانی جبهه تربیت شده، به قهرمان تبدیل شدند. حال اگر ما هنگام نگارش زندگی نامه یا داستان، هر کاری که سر سوزنی جنبه ی منفی داشته باشد حذف کنیم نه تنها شخصیت آن قهرمان را بزرگ نکرده ایم بلکه چون او را از کودکی تا بزرگسالی، شخصیتی برتر قلمداد کرده ایم نقش تربیتی جبهه و جنگ را نادیده گرفته ایم. از طرف دیگر امکان الگوبرداری جوان امروز از قهرمانان داستان را نیز از دست می دهیم چراکه باور واقعی بودن داستان را از او گرفته ایم و جوان امروز با این باور ذهنی دیگر نمی تواند با قهرمان داستان همذات پنداری کند. این نوع نگاه حتی در میان برخی از اساتید دانشگاه نیز مشاهده می شود. به عنوان مثال در مقاله ای با عنوان «آسیب شناسی ادبیات پایداری در فن زندگی نامه نویسی» از دکتر محمدرضا یوسفی (نامه ی پایداری، 1387: 565) مشاهده می کنیم که ایشان بر بعضی بخشها در داستان‌ها یا زندگی نامه‌ها ایراد محتوایی وارد کرده اند. به عنوان مثال «گفت: اگه مامان بیاد میرم کلاس، چاره نبود. مادر بنده خدا یکی دو روز می رفت می نشست کلاس اول تا حسن عادت کند.» (هم کیش موج، ص 14) ایشان این گونه موارد را ضد اخلاقی و مخالف هدف تعلیمی نگارش کتابهای دفاع مقدس دانسته اند. اما به نظر نگارنده، نگارش واقعیت، نه



تنها هدف تعلیمی این کتابها را تحت الشعاع قرار نمی دهد بلکه باعث اعتماد مخاطب نسبت به امانتداری و واقع گویی نویسنده خواهد شد.

یکی از نمونه های موفق در این زمینه داستانی با عنوان « همه ی زندگی » اثر « احمد غلامی » است که در زمستان 1376 توسط نشر صریر به چاپ رسیده است. نکته ی قابل توجه در این داستان نوع شخصیت پردازی نویسنده است. شخصیت های داستان او چندان به شخصیت های اسطوره ای شبیه نیستند. ایثار می کنند اما گاهی لب به اعتراض نیز می گشایند. صبور هستند اما دچار بلاتکلیفی نسبت به مقوله ی جنگ هستند و تأکید دارند که ای کاش جنگی نبود. نویسنده از سویی به ارزشهای دفاع مقدس می پردازد و از سویی چهره ی خشن جنگ را نشان می دهد. (غلامی، 1376- پارسی نژاد 1384: 271-273)

نمونه ی دیگر مجموعه داستان کوتاه « طعم باروت » نوشته ی مجید قیصری است که پس زمینه های اجتماعی جنگ در بستر داستانی به خوبی پرداخته شده است. در این اثر عینیت نگری نویسنده به عنوان عضوی از جامعه، شایان توجه است. او در این مجموعه تلاش کرده است ارزشهای جامعه ای که زمانی جنگی را تجربه کرده اما پس از مدتی آن را به فراموشی سپرده است الگو قرار دهد. (قیصری، 1377- پارسی نژاد 1384: 293-295)

البته در چند سال اخیر تغییرات امیدوار کننده ای، هم در نگاه نویسندگان و هم در رویکرد مراکز حمایت کننده ی آثار ادبی نسبت به آزادی هنر و هنرمند ایجاد شده است اما قصد نگارنده برداشتن قدمهایی برای رسیدن به نقطه ی مطلوب در این زمینه است.



منابع :

باستید، روژه (1374) ادبیات و جامعه، ترجمه غفار حسینی، تهران، انتشارات توس

سید حسینی، رضا (2537) مکتب های ادبی، کتاب زمان، چاپ ششم

ساسانی، فرهاد (1384) گفتمان جنگ در رسانه ها و زبان ادبیات، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ اول

دهقان، احمد (1386) خاک و خاطره (خاطره نگاری، یادداشت نوشته ها و تاریخ شفاهی جنگ و دفاع مقدس)، تهران، نشر

صریر، چاپ اول

امیری خراسانی، احمد (1387) نامه ی پایداری (کنگره ی ادبیات پایداری کرمان)، بنیاد حفظ و نشر ارزشهای دفاع مقدس

اته، هرمان (1356) تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه ی رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

صفا، ذبیح الله (1384) تاریخ ادبیات ایران، جلد اول (خلاصه جلد اول و دوم)، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ بیست و سوم

میر کاظمی، سید محمد (1387) کتاب دوازدهم (مجموعه مقالات جشنواره ی کتاب سال دفاع مقدس)، تهران، بنیاد حفظ آثار

و نشر ارزشهای دفاع مقدس، چاپ اول

حسن بیگی، ابراهیم (1388) نگاه نگاران (مجموعه مقالات)، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس

پارسی نژاد، کامران (1384) جنگی داشتیم، داستانی داشتیم، نشر صریر، چاپ اول

سنگری، محمدرضا، ادبیات پایداری (مقاله)، سایت [www. Iricap.com](http://www.Iricap.com)